



آیت الله قرهی: خداوند دعای دسته‌جمعی در دل شب را دوست دارد

آیت الله قرهی گفت: بهترین اوقات ماه مبارک رمضان که هر لحظه آن، مظانّ به اجابت دعا هست، شب هنگام و لیل است. شب جمعه ماه مبارک رمضان هم شب نور فوق کلّ نور است. شب عنایت مافوق عنایت است.

آیت الله قرهی گفت: بهترین اوقات ماه مبارک رمضان که هر لحظه آن، مظانّ به اجابت دعا هست، شب هنگام و لیل است. شب جمعه ماه مبارک رمضان هم شب نور فوق کلّ نور است. شب عنایت مافوق عنایت است. در پی سخنرانی آیت‌الله قرهی در اولین شب جمعه ماه مبارک رمضان برای علاقه مندان می‌آید؛

شبی دارای عنایتی مافوق عنایت در ماه مبارک

بهترین اوقات ماه مبارک رمضان که هر لحظه‌ی آن، مظانّ به اجابت دعا هست، شب هنگام و لیل است. شب جمعه ماه مبارک رمضان هم شب نور فوق کلّ نور است. شب عنایت مافوق عنایت است. شب مرحمت مافوق مرحمت است. شب لطف و کرامت، ما فوق لطف و کرامت است. به قدری شب جمعه‌ی ماه مبارک رمضان مهم است که اولیاء خدا آن را کالیلۃ القدر نامیدند. بیان کردند: اگر انسان بتواند در کلّ ماه مبارک رمضان، شب‌ها بیدار بماند، فيها المراد و مطلوب، اما اگر به واسطه مطالب و مشاغل و گرفتاری‌ها نتوانست، شب جمعه را از غروب پنجشنبه تا سحرگاهان، حتی مطلع الفجر، پلک روی هم نگذارد و مراقبه‌ی ویژه کند؛ چون شبیه به لیله قدر است.

باور به اجابت دعا، اجابت می‌آورد!

مهم‌ترین چیزی که پروردگار عالم در این ماه از انسان‌ها خواسته، بعد از ورع عن محارم الله، دعاست. ضمن این که انسان قرآن می‌خواند که اولیاء خدا روزی تا سه جزء هم قرآن می‌خوانند، اما دائم مشغول به دعا باشد. انسان با این دعایی که انجام می‌دهد، کاری می‌کند که از دنیا و مافیها جدا شده و به خدا متصل گردد و انسان الهی شود. منتها یک مطلبی را پیامبر عظیم‌الشأن (ص) بیان فرمودند که خیلی قابل توجه است و آن، این است: اولاً انسان با ایمان خدا را بخواند و به اجابت دعا ایمان داشته باشد و ثانیاً قلب غافل نباشد.

آن چیزی که بارها و بارها بیان کردم و به قدری مهم است که اگر هر روز و هر لحظه هم تکرار شود، جا دارد، این است: دعای روز اول ماه مبارک رمضان فقط برای روز اول نیست، بلکه برای همه‌ی روزها و هر لحظه که یادتان آمد هم می‌باشد. حتی در دل شب هم می‌توانید بخوانید و فکر نکنید که فقط برای روز است. هر لحظه یادتان آمد این دعا را بخوانید. یکی از چیزهایی که باید در این ماه مبارک رمضان ملکه‌ی وجود انسان شود، همین دعای روز اول ماه مبارک رمضان است: «اللَّهُمَّ اجْعَلْ صِيَامِي فِيهِ صِيَامَ الصَّائِمِينَ وَ قِيَامِي فِيهِ قِيَامَ الْقَائِمِينَ وَ تَهْنِئِي فِيهِ عَنْ تَوَمَّةِ الْعَافِلِينَ وَ هَبْ لِي جُزْئِي فِيهِ يَا إِلَهَ الْعَالَمِينَ وَ اعْفُ عَنِّي يَا عَافِيًا عَنِ الْمُجْرِمِينَ». درخواست بیداری از خواب غفلت و در آخر هم طلب عفو کند.

یکی از فرازهای مهم این دعا این است: وَ تَهْنِئِي فِيهِ عَنْ تَوَمَّةِ الْعَافِلِينَ، خواب من را متنبّه کن، سیلی‌های تنبیه بزن تا من از خواب غفلت بیدار شوم. چرا؟ چون اگر این‌طور نشود، پیغمبر اکرم، محمد مصطفی (صلي الله عليه و آله و سلم) فرمودند: «ادْعُوا اللَّهَ وَ أَنْتُمْ مُوقِنُونَ بِالْإِجَابَةِ وَ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى لَا يَسْتَجِيبُ دُعَاءَ مَنْ قَلَبٌ غَافِلٌ لَهُ»، پروردگار عالم را بخوانید و به اجابت دعای خودتان هم ایمان داشته باشید. اگر بگویید: مگر می‌شود؟! شاید ... حالا ...، اجابت نمی‌شود. انسان باید ایمان داشته باشد، بگوید: من درب خانه‌ی کریم می‌روم.

یکی از چیزهایی که عرفای عظیم‌الشأن به ما یاد دادند، این است که معنی یقین به اجابت دعا، این است: انسان باور کند که درب خانه‌ی کریم رفته است و محال است آن اکرم الاکرمین دعای او را مستجاب نکند. باور به اجابت دعا، اجابت می‌آورد. لذا فرمودند: اولاً خداوند را در حالی بخوانید که به اجابتش ایمان داشته باشید، ادْعُوا اللَّهَ وَ أَنْتُمْ مُوقِنُونَ بِالْإِجَابَةِ. لذا آن کسی که ایمان به اجابت خدا دارد، می‌داند وقتی درب خانه‌ی جود (یا جود الاجودین و یا اکرم الاکرمین) می‌آید، درب خانه‌ی جوادترین و کریم‌ترین آمده است. دیگر محال است انسان را رد کنند. اگر این حال را داشته باشد، معلوم است که اجابت برایش قرین است.

عدم پذیرش دعا از قلب غافل

برای همین بعضی از اولیاء خدا وَ اعْلَمُوا را که در ادامه روایت آمده، وَ اعْلَمُوا تنبیه‌ی و اندازیه می‌دانند که می‌فرمایند: وَ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى لَا يَسْتَجِيبُ دُعَاءَ مَنْ قَلَبٌ غَافِلٌ لَهُ. بدانید خداوند دعا را از قلب غافل و بی‌توجه نمی‌پذیرد. برای همین باید دعای روز اول را هر روز بخوانیم، چون در آن‌جا آمده: وَ تَهْنِئِي فِيهِ عَنْ تَوَمَّةِ الْعَافِلِينَ. لذا هر لحظه این ماه مبارک رمضان، موقع اجابت دعاست. ولی شب‌های جمعه ماه مبارک نور فوق کل نور و کالیلۃ القدر است. آن موقع معلوم است که اولیاء خدا برای چه می‌گویند: از غروب شب جمعه‌ی ماه مبارک رمضان حتی مطلع الفجر نخوابید و پلک بر هم نزنید. معلوم است انسانی که فهمید امشب، مانند شب قدر است و فضیلت لیلۃ القدر را دارد، آن را از دست نمی‌دهد، مگر غافل. غافل، دعایش هم مستجاب نمی‌شود، لَا يَسْتَجِيبُ دُعَاءَ مَنْ قَلَبٌ غَافِلٌ لَهُ.

دعای اولیاء خدا از ماه رجب برای رسیدن به ماه مبارک و درک شب‌های قدر

اولیاء خدا تا قبل از ماه رجب المرجب برای طول عمرشان دعا نمی‌کردند، اما وقتی ماه رجب المرجب می‌شد، در دل شب، دست بر زیر محاسنشان می‌بردند و با حال زار و گردن گج می‌گفتند: خدا! حالا که محبت و بزرگواری و عنایت کردی و جان من را نگرستی و من را وارد به رجب المرجب کردی (چون آغاز، رجب المرجب است که توضیحاتش را قبلاً بیان کردم)، عنایت کن توفیق درک ماه مبارک رمضان را هم بده و من را زنده نگاه دار. کنز خفی الهی، آیت الله مولوی قندهاری، می‌فرمودند: آیت الله العظمی سید ابوالحسن اصفهانی آن سید عظیم‌الشأن و مرجع یکه‌تاز بارها می‌فرمودند: یک دلیل دعای اولیاء خدا برای زنده ماندن تا ماه مبارک، لیلة القدر است. یعنی همه‌ی این‌ها می‌خواستند در ماه مبارک رمضان بیایند تا به اوج ماه مبارک، لیلة القدر برسند.

شب قدری، قبل از شب‌های قدر!

پروردگار عالم قبل از وقوع لیلة القدر باز لیلة القدرهایی را در ماه مبارک قرار می‌دهد. آن هم شب جمعه‌ی ماه مبارک رمضان که کالیلة القدر است. تمام همت اولیاء خدا به این بود که بتوانند لیلة القدر را درک کنند؛ چون لیلة القدر خیر من الف شهر است و چه می‌دانیم که چیست؟ کما این که به پیامبرش فرمود: نمی‌دانی، و ما ادریک ما لیلة القدر. ولی اولیاء خدا، شمه، رایحه و رشحاتی از رشحات الله تبارک و تعالی به مشام، جان و روحشان وارد شده بود، لذا به این مطلب ادراک داشتند که شب‌های جمعه ماه مبارک رمضان، مانند شب قدر است. لذا باید خیلی دقت کرد و غفلت نکرد، برای همین بسیار بگویند، حتی در قنوتتان هم بگویند: «اللَّهُمَّ اجْعَلْ صِيَامِي فِيهِ صِيَامَ الصَّائِمِينَ وَ قِيَامِي فِيهِ قِيَامَ الْقَائِمِينَ وَ تَهْنِئِي فِيهِ عَنْ تَوَمَةِ الْغَافِلِينَ وَ هَبْ لِي جُزْئِي فِيهِ يَا إِلَهَ الْعَالَمِينَ وَ اغْفُ عَنِّي يَا عَافِيًا عَنِ الْمُجْرِمِينَ». هر چه این دعا را بخوانید، کم است.

ما یک چیزی به گوشمان می‌خورد، اما نه من که نوار هستم و دارم فرمایشات اولیاء خدا و عرفای عظیم‌الشأن را عرض می‌کنم، درک می‌کنم و نه جسارتاً شما عزیزان، تعارف نداریم، ما فقط یک چیزی به گوشمان می‌خورد. فقط تعداد خیلی هستند که درک می‌کنند، همان‌ها که قرآن فرمود: و قليل من عبادي الشكور. آن‌ها هم هر کدام به اندازه وسع وجودی خودشان یک چیزهایی را درک می‌کنند. لذا بیان کردم وقتی رجب المرجب می‌شود، اولیاء خدا دست بر زیر محاسن خود می‌برند و می‌گویند: خدا! ما را به ماه مبارک رمضان برسان و بیان کردند: عمده‌ی درخواستشان برای این است که به لیلة القدر برسند، حالا امشب که کالیلة القدر است، یعنی خدا یک لیلة القدری را جلو می‌اندازد و کسی که غافل است، درک نمی‌کند.

مرحوم ابوی در ماه مبارک رمضان خیلی کم این طرف و آن طرف می‌رفتند، اما به خصوص شب جمعه، نه مهمانی را می‌پذیرفتند و نه خودشان سفره‌ای می‌انداختند که افطاری بدهند. تازه معمول این است که شب جمعه، چون فردایش تعطیل است، انسان راحت‌تر است و بهتر می‌تواند استراحت کند، هم خانواده راحت‌تر است و هم خود انسان راحت‌تر است، اما ایشان انجام نمی‌دادند. دلیل و برهانش هم همین است.

خیلی جالب است من این را در بعضی از بزرگان، از جمله آیت‌الله مولوی قندهاری هم دیده بودم که ایشان هم این کار را می‌کردند و هیچ موقع دعوت در شب جمعه ماه مبارک رمضان را نمی‌پذیرفتند تا آن حال اتصال از بین نرود. ای بسا لقمه اثر بگذارد و آن شب که کالیلة القدر است، آن حال مناجات و دعا از دست برود که حیف است - این‌ها نکات مهمی است، شوخی نگیریم - مگر چند شب جمعه در ماه مبارک رمضان داریم؟! مگر تضمین گرفتیم که حتی تا شب جمعه آینده زنده باشیم؟! مگر تضمین گرفتیم که ماه مبارک رمضان دیگر زنده باشد؟! حالا بیاید و مفت از دست بدهد!

اولیاء خدا می‌دانند که این چیزها بازی است و اصل، این است که دنیا مزرعة الآخرة و این شب جمعه دارند مافوق تصوّرمان به ما مرحمت می‌کنند. به تعبیر عامیانه به قدری امشب از ناحیه‌ی پروردگار عالم بریز و بپاش است که اصلاً اولیاء خدا هم نمی‌توانند آن را جمع کنند. برای همین است که اولیاء خدا و اعظم و بزرگان که می‌فهمند، توصیه می‌کنند مانند شب قدر، حداقل بعدازظهر را یکی دو ساعت استراحت کنید تا از غروب شب جمعه دیگر پلک‌هایتان روی هم نرود.

حالا این چه سری است که می‌گویند حتی پلک‌هایتان هم بر روی هم نرود! وجود مقدّس امام حسن مجتبی(ع)، راجع به لیالی قدر می‌فرمودند: ما طفل بودیم، مادرمان، بی‌بی دوعالم، ما را بعدازظهرها می‌خواباند و می‌فرمود: دیگر از غروب به بعد نخوابید - حتی بچه‌ها را هم باید این‌طور عادت داد - حالا غیر از این بیداری، توجّه نیاز است که غافل نباشد و إلا اگر غافل باشد، مشمول این روایت خواهد شد که فرمودند: وَ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى لَا يَسْتَجِيبُ دُعَاءَ مَنْ قَلْبٍ غَافِلٍ لَاهٍ. پروردگار عالم دعای آن کسی را که غافل و بی‌توجّه است، نمی‌پذیرد.

آیت‌الله العظمی بهاء‌الدینی می‌فرمودند: لاه به این معناست که گاهی حتی انسان در مجلس دعا وارد می‌شود، اما توجّه ندارد. یعنی آن شب لطف خدا شامل حال او می‌شود، خوابش هم نمی‌آید، تا سحرگاهان هم قیراق است اما توجّه ندارد که امشب، چه شبی است و در زمین چه خبر است که ملائکه الهی می‌آیند.

نزول فوج فوج ملائکه در شب‌های جمعه ماه مبارک در مجالس دعا

آیت‌الله حاج شیخ محمدتقی بروجردی، استاد آن مرد الهی، حاج میرزا علی اصغر هرنی، که در مسجد شهید هرنی دروازه غار مدفون هستند، وقتی شب‌های جمعه ماه مبارک می‌شد، بارها، نه تنها خصوصی بلکه در عموم می‌فرمودند: چه بویی دارد می‌آید! چه رایحه‌ای دارد می‌آید!

اولیاء خدا این‌گونه هستند، می‌فهمند، ادراک دارند، توجّه دارند. به قول مرحوم ابوی(اعلی الله مقامه الشریف)، ایشان می‌خواستند دیگران را هم متوجّه کنند که حواستان باشد، امشب را غفلت نکنید. امشب، شب توجّه است و شب این است که

انسان از همه بیرد و به پروردگار عالم متصل شود. از زن، فرزند، رفیق و ... بیرد و توجّه‌اش به معبودش باشد. اگر این حال برای انسان به وجود بیاید، دیگر دعایش هم دعا می‌شود. چه قرین به اجابتی برایش می‌شود. شاید یک دلیل هم همین است که اولیاء خدا، برخلاف ما که در مساجد بعد از نماز مغرب و عشاء دعای کمیل را می‌خوانیم - البته جبراً است - آن‌ها در دل شب دعای کمیل را می‌خوانند و حالشان، حال مولی‌الموالی می‌شد. چون می‌دانید دعای کمیل، دعای خضر نبی است و انبیاء آن را خوانده‌اند. مولی‌الموالی هم این دعا را به شیعیانش هبه کرد. پیامبر هم این دعا را می‌خوانند، امّا پیامبر به امتّشان نگفتند، فقط شیعه این دعای کمیل را دارد که جدّی مع‌الأسف یک کنزی است که ما قدر این کنز الهی را نمی‌دانیم و داریم مفت از دست می‌دهیم. به خصوص از ماه شعبان المعظم، حاج میرزا علی اصغر صقار هرندی دیگر شروع می‌کرد و درب مسجد را در نیمه‌شب باز می‌کردند و دعای کمیل می‌خوانند. ایشان می‌گفتند: باید در دل شب باشد. یکی از توفیقاتی که ما پیدا می‌کنیم، این است که حداقل در ماه مبارک رمضان، شبیه اولیاء خدا می‌شویم. من و امثال من که حال دعای کمیل خواندن در دل شب نداریم، امّا حداقل در ماه مبارک رمضان، حال ما، حال اولیاء خدا می‌شود و این، لطف خداست. آن هم شبی که مانند شب قدر می‌ماند. لذا عزیزدل! امشب باید از همه چیز بیرد و به پروردگار عالم متصل شوید، والله حیف است.

همین آیت‌الله حاج شیخ محمدتقی بروجردی که بیان کردم، بارها می‌فرمودند: اگر خدای متعال عنایت کند و پرده کنار رود، می‌بینید شب‌های جمعه ماه مبارک رمضان، فوج فوج ملائکه دارند می‌آیند، تنزل الملائكة و الروح، البته روح نمی‌آید؛ چون فقط باید شب قدر بیاید، امّا ملائکه فوج فوج می‌آیند که اصلاً قابل تصوّر نیست و می‌گردند ببینند کدام مجلسی برقرار است و دارند با پروردگار عالم مناجات می‌کنند و دعا می‌خوانند (چون شب‌های قدر که همه جا احیا می‌گیرند). یعنی امشب به برکت این اجتماع شما، ملائکه به این خانه‌ی امام زمان، مهدیه می‌آیند. اگر چشم دل باز می‌شد، این ملائکه را می‌دیدیم. در شب گذشته بیان کردیم که قرآن می‌فرماید: لهم اعین لا یبصرون بها، یعنی چشم‌های ظاهری، نه چشم دل، باید ببینند که نمی‌بینند. خوشا به حال اولیاء که با این چشم می‌دیدند و دلشان پر می‌کشید و حالشان، حال دیگری می‌شد.

آیت‌الله العظمی شاه‌آبادی، در رشحاتی که برای خصّیصینشان داشتند و بعد تبدیل به کتاب رشحات‌البحار شد، شب‌های جمعه به خصوص شب‌های جمعه ماه مبارک رمضان به اصحاب لیل و خصّیصینشان می‌فرمودند: امشب همه‌مان جوان شدیم. اولیاء خدا این‌طور هستند، فرحی می‌گیرند، حال و نشاطی می‌گیرند، می‌فهمند چه خبر است. وقتی انسان بفهمد چه خبر است، معلوم است شاد می‌شود و حال و نشاط دیگری پیدا می‌کند. اصلاً دیگر غم دنیا ندارد. ما به دنیا چسبیدیم و متوجّه نیستیم که چه خبر است. امّا آن‌ها می‌دانند. اتفاقاً معنای دنیای ممدوح را درک می‌کنند.

لذا بارها هم ایشان فرموده بودند و هم رفیق شفیقشان، ابوالعرفا می‌فرمودند که در این شب‌های جمعه، به صورت ظاهر در دل شب، اشک و ناله است، امّا روح انسان تازه می‌شود و شادابی به وجود می‌آید. این‌ها در حقیقت اتصال است و برای همین است که شب‌های جمعه ارواح مؤمنین پایین می‌آیند. ضمن این که به زیارت ابی‌عبدالله مشرّف می‌شوند، در مجالسی که اولیاء خدا در دل شب دارند، این ارواح هم می‌آیند که بهره‌برداری کنند (این را اولیاء خدا دیدند، حس کردند و از ارواح مؤمنین به آن‌ها رسیده است و لطف و محبّت شده است).

معلوم می‌شود الدنیا مزرعة الآخرة یعنی چه که همه چیز این دنیا است. این دنیای ممدوح!

خداوند دعای دسته‌جمعی در دل شب را دوست دارد

پس عزیزدل! امشب، شب عجیب و استثنائی است. شب جمعه، شب مناجات با پروردگار عالم. لذا دیر نشده، همین الآن در درون خودمان یک استغفار کنیم و بگوییم: تو که لطف کردی و ما را دعوت کردی، امشب ما را بپذیر و توبه‌مان را قبول کن. خدا گواه است این که در شب جمعه به مجلس دعا و مناجات آمدم و ما را حواله دادند که کلام اولیاء خدا را ولو به لسان مانند من، بیان شود، این، لطف خداست. ای بسا که شاید امشب خوابان می‌رفت. ای بسا به این که ما اصلاً مهمانی و جای دیگری بودیم. غفلت می‌شد و اصلاً نمی‌آمدیم. گاهی اصلاً بنا نبوده و خودمان هم فکر نمی‌کردیم که بیاییم. امّا لطف کردند، محبّت کردند، بزرگواری و آقایی کردند. دست ما را گرفتند و در مجلس آوردند، آن هم شب جمعه که دور هم جمع شویم.

چقدر خدا این اجتماعات را دوست دارد. ما از ابوالعرفا سؤال کردیم: چرا برخی از بزرگان شب‌های جمعه را تنهایی به دعا و مناجات نمی‌پرداختند و دأبشان این بود که بالاخره خصّیصین خودشان را دعوت می‌کردند؟ ایشان فرمودند: پروردگار عالم دوست دارد جمعی بیایند، این دست‌ها با هم بالا بروند و این زبان‌ها با هم بچرخد. پروردگار عالم این‌طور با بندگان عشق‌بازی می‌کند، دلش می‌خواهد بندگان ببینند، دلش می‌خواهد بندگان با هم بیایند، دلش می‌خواهد این‌ها بندگانشان را با هم بالا بیاورند، دلش می‌خواهد که این‌ها با هم الهی‌العفو بگویند، دلش می‌خواهد این‌ها با هم یا ربّ یا ربّ بگویند، دلش می‌خواهد این‌ها با هم یا کریم و یا ربّ بگویند، دلش می‌خواهد این‌ها با هم یا غیاث المستغیثین بگویند. خدا دلش می‌خواهد این‌طور شود و همه با هم بیایند.

لذا عزیز دل! من و تو تک دعوت شدیم که در جمع قرار بگیریم و دیگر خود نیستیم، نه من هستم، نه شما هستیم، دیگر جمعی می‌شویم که وقتی این جمع می‌شوند، دست‌ها بالا می‌رود، ملائکه می‌آیند، دور آن‌ها را احاطه می‌کنند و با آن‌ها دعا می‌کنند. این صداها با صدای ملائکه الهی بالا می‌رود، دیگر قرین به اجابت می‌شود و این دعا، دعای مستجاب شده می‌شود. خدا دلش می‌خواهد، اصلاً عشق پروردگار عالم این است که بندگان را در دل شب، جمعی ببیند. یک بهانه خوبی را به نام ماه مبارک رمضان قرار داد، اگر غیر از ماه مبارک رمضان بود، چه زمانی من و شما دور هم جمع می‌شدیم که شب جمعه این‌طور ناله کنیم و اشک بریزیم و فغان کنیم و دست‌هایمان را بالا بیاوریم و با پروردگار عالم سخن بگوییم؟! خدا دلش می‌خواهد.

یک نکته بسیار مهم دیگری که اولیاء خدا از جمله ابوالعرفا بیان فرمودند، این بود: آقا جان حضرت حجّت می‌بینند و به ملائکه می‌فرمایند: این‌ها محبّین من هستند. دعای این‌ها باید اجابت شود. امضاء آقا جانمان پای دعای کامل و مناجاتمان می‌خورد. قربانت بروم یا بن‌الحسن! ای آقای مهربانی، السّلام علیک با مولای یا بقیة الله... ه.